

کارآمدسازی نظام اجرای احکام در تعهدات قائم به شخص: تحلیل تطبیقی و تقنینی

علی تقی خاکی

گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

khaki.ali.iau@gmail.com

رمضان دهقان (نویسنده مسئول)

گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

dr.dehghan@damghaniau.ac.ir

حسین قربانیان

گروه حقوق، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

real695@yahoo.com

قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۷ (پاییز ۱۴۰۵) نشریه پژوهشهای حقوقی

چکیده

در زمره‌ی اقسام تعهدات، تعهدات قائم به شخص یا مقید به مباشرت، جایگاه خاصی دارند؛ تعهداتی که اجرای آن‌ها تنها توسط خود متعهد ممکن بوده و قابلیت نیابت یا انجام توسط ثالث را ندارند. در نظام حقوقی ایران، علی‌رغم تصریح برخی مقررات موردی نظیر حق فسخ یا اعمال حبس در تعهدات خاص، تاکنون چارچوبی کلی و منسجم برای ضمانت اجرای این‌گونه تعهدات پیش‌بینی نشده است. در مقابل، نظام حقوقی فرانسه با بهره‌گیری از نهادهایی چون «استرنت» (astreinte)، جریمه‌های روزانه‌ی تأخیر و همچنین محرومیت‌های اجتماعی، تلاش کرده است سازوکارهایی الزام‌آور و مؤثر برای تحقق این تعهدات فراهم آورد. این پژوهش با رویکرد تطبیقی و تحلیل مواد قانونی و رویه‌های قضایی، به بررسی چالش‌ها و راهکارهای حقوق ایران و فرانسه در تضمین اجرای تعهدات قائم به شخص پرداخته و بر ضرورت بازاندیشی تقنینی در نظام حقوقی ایران جهت بهره‌گیری از ضمانت اجراهای غیرمستقیم مؤثر مانند جریمه‌ی اجبار و محدودسازی حقوق اجتماعی تأکید دارد. نتایج نشان می‌دهد که بهره‌گیری ترکیبی از سازوکارهای مالی و اجتماعی در کنار حفظ اصل آزادی اراده و شخصیت متعهد، می‌تواند منجر به افزایش کارایی اجرای این نوع تعهدات گردد.

واژگان کلیدی:

تعهد قائم به شخص، مباشرت متعهد، جریمه اجبار، محرومیت اجتماعی، حقوق تطبیقی، اجرای احکام مدنی، مسئولیت قراردادی

مقدمه

در نظام حقوقی ایران، اصل حاکم بر روابط قراردادی، «لزوم قراردادهای» است که بر پایه ماده ۲۱۹ قانون مدنی استقرار یافته است. بر مبنای این اصل، در صورت امتناع متعهد از ایفای تعهد، متعهدله در گام نخست، حق مطالبه اجرای عین تعهد را دارد و صرفاً در صورت عدم امکان اجبار، به سایر طرق جبران، از جمله فسخ قرارداد، مجاز خواهد بود. در این راستا، قانونگذار از یک قاعده ناظر بر الزام متعهد، به ویژه در صورت امکان اجرای تعهد توسط ثالث، تبعیت کرده است (مواد ۲۳۸، ۲۳۹ و ۳۱۰ قانون مدنی). اما در مواردی که تعهد از نوع تعهدات «قائم به شخص» یا مقید به مباشرت بوده و فقط توسط خود متعهد قابل اجراست، نظام حقوقی با چالش‌های ویژه‌ای در جهت تضمین اجرای آن مواجه می‌شود. تعهدات قائم به شخص، تعهداتی هستند که شخصیت متعهد در آن‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کند و اجرای تعهد توسط شخص ثالث ممکن یا مجاز نیست. در این موارد، قوه حاکمه نیز نمی‌تواند رأساً یا از طریق نیابت، ایفای تعهد را به انجام رساند. در چنین شرایطی، حقوق ایران عمدتاً به ابزارهایی نظیر حق فسخ، تعیین جریمه مالی و در موارد معدود، اعمال حبس متعهد روی می‌آورد؛ هرچند این ابزارها به صورت پراکنده و غیرمنسجم در قوانین موضوعه درج شده و فاقد نظام حقوقی عام و واحد هستند.

به‌رغم اهمیت روزافزون این دسته از تعهدات، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون هنر، خدمات حرفه‌ای، حقوق خانواده و تعهدات ناشی از شخصیت اشخاص حقوقی و حقیقی، مقررات ایران هنوز فاقد قواعد منسجم و جامع در زمینه ضمانت اجرای تعهدات قائم به شخص است. به‌عنوان نمونه، ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده، ضمانت اجرای حبس را در خصوص استرداد طفل پیش‌بینی کرده است؛ با این حال، در مواردی مانند دعوای تمکین، تعهد به اجرای هنری خاص، یا الزام نهادهای عمومی به ارائه خدمات، چارچوب مشخصی برای ضمانت اجرا پیش‌بینی نشده است.

از سوی دیگر، نظام حقوقی فرانسه با بهره‌گیری از ابزارهای نوآورانه نظیر «جریمه اجبار» (astreinte)، محرومیت از حقوق اجتماعی، و بهره‌مندی از نهادهای قضایی مختص اجرای احکام، سازوکارهای مؤثرتری را در تضمین ایفای تعهدات شخصی فراهم آورده است. پرسش بنیادین این پژوهش آن است که آیا حقوق ایران در مواجهه با تعهدات قائم به شخص از یک ضمانت اجرای واحد پیروی می‌کند یا به‌طور موردی و پراکنده، راهکارهای متفاوتی را اتخاذ کرده است؟ ضرورت تحلیل تطبیقی این موضوع، از یک سو ناشی از خلأ قانونی پس از نسخ ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق و فقدان جایگزین مناسب است، و از سوی دیگر به ارجاع تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی به ماده منسوخ بازمی‌گردد که موجب ابهام و اختلاف نظر شده است. این مقاله با تحلیل تطبیقی حقوق ایران و فرانسه، در پی تبیین مبانی تقنینی و قضایی لازم برای تقویت ضمانت اجرای تعهدات قائم به شخص و ارائه راهکارهایی برای انسجام‌بخشی به نظام حقوقی ایران است.

۱- مفهوم و ماهیت تعهدات قائم به شخص در حقوق ایران و فرانسه

تعهدات قائم به شخص، تعهداتی هستند که فقط توسط خود متعهد قابل انجام‌اند و شخصیت او در اجرای تعهد نقش اساسی دارد. ماده ۲۰۱ قانون مدنی ایران بر اهمیت این ویژگی در برخی قراردادها تأکید دارد. در صورت امتناع متعهد، الزام قضایی ممکن است، اما اجرای عملی توسط غیر، در این نوع تعهدات ممکن نیست. مصادیق آن در قراردادهای هنری یا حرفه‌ای خاص دیده می‌شود. در حقوق فرانسه نیز، اصل بر امکان مطالبه اجرای عین تعهد است، اما در تعهدات شخصی، از جریمه مدنی (astreinte) برای فشار غیرمستقیم استفاده می‌شود. در هر دو نظام، ضمانت اجراها بیشتر جنبه اخلاقی یا مالی دارند تا اجبار فیزیکی.

۱-۱- تعهدات قائم به شخص در قرارداد داوری و تأثیر آن بر انحلال داوری (در حقوق ایران و فرانسه)

در نظام حقوقی ایران و بر اساس ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر طرفین اختلافات خود را به داوری شخص معینی ارجاع دهند و وی به هر دلیل قادر به انجام داوری نباشد و توافق جدیدی بر داور جایگزین حاصل نشود، رسیدگی به مرجع قضایی بازمی‌گردد. این وضعیت نشان‌دهنده آن است که تعهد داوری، تعهدی قائم به شخص محسوب می‌شود؛ زیرا اجرای آن به ویژگی‌های فردی، تخصصی یا حرفه‌ای داور منتخب وابسته است و قابل انتقال یا تفویض به غیر نیست، مگر با رضایت صریح طرفین. در واقع، شخصیت داور، علت اصلی توافق داوری است و این تعهد کاملاً با مفهوم «شخصی بودن تعهد» مطابقت دارد.^۱

بر اساس ماده ۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران و نیز ماده ۴۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر داوری بر اساس انتخاب شخص معینی توسط طرفین صورت گرفته باشد، این صلاحیت قائم به شخص دانسته شده و بدون تراضی جدید، جایگزینی وی وجاهت ندارد. در حقوق فرانسه نیز همین رویکرد پذیرفته شده است؛ به‌گونه‌ای که دیوان تمییز در رأیی در سال ۱۹۹۳ اعلام کرده: «ارجاع دعوی به داور معین ناشی از اعتماد اختصاصی طرفین به شخصیت وی است و این

^۱. ناصر، کاتوزیان، "قواعد عمومی قراردادها" (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵)، ۴۱۱؛ همچنین نگاه کنید به: جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش، مدخل «تعهد قائم به شخص».

صلاحیت قابل انتقال به شخص دیگر نیست مگر با توافق جدید طرفین.^۲ از این رو، در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، داوری شخص معین، واجد وصف شخصی بودن غیرقابل انتقال است و امتناع یا ناتوانی داور منتخب از انجام وظیفه، منتهی به زوال توافق داوری و بازگشت صلاحیت رسیدگی به دادگاه خواهد شد. در واقع، عدم قابلیت تفویض در این نوع داوری، از اصول بنیادین حقوق داوری با ویژگی قائم به شخص بودن نشأت می‌گیرد و بر این اساس، داوری منتخب در حکم تعهدی است که تنها توسط شخص تعهدکننده قابلیت تحقق دارد.

۱-۲- تأثیر وصف شخصی تعهد در تحقق فسخ قراردادها (در حقوق ایران و فرانسه)

در حقوق ایران، تعهد به ارائه ضامن یا رهن، از مصادیق تعهدات قائم به شخص است که در ماده ۳۷۹ قانون مدنی پیش‌بینی شده است. چون اجرای این تعهد مستلزم اقدام شخص متعهد است، دادگاه نمی‌تواند رأساً آن را انجام دهد و در صورت امتناع، تنها راه‌حل، حق فسخ برای متعهدله است. رویه قضایی نیز تأکید دارد که در نبود رهن معین، اجبار بی‌نتیجه است. اما اگر رهن مشخص باشد، امکان اجبار قضایی وجود دارد. در حقوق فرانسه نیز در چنین مواردی، معمولاً راه‌حل، فسخ یا انحلال قرارداد است نه اجبار متعهد.^۳

در ماده ۳۷۹ قانون مدنی ایران، قانونگذار با کنار گذاشتن ترتیب مواد ۲۳۷ و ۲۳۸، مستقیماً تخلف از تعهدات قائم به شخص، مانند ارائه ضامن یا رهن را موجب فسخ قرارداد دانسته است؛ زیرا الزام متعهد ممکن نیست و عدالت قراردادی ایجاب می‌کند راهکار فسخ پیش‌بینی شود. در حقوق فرانسه نیز، مطابق ماده ۱۱۲۱، اگر اجرای تعهد تنها از عهده متعهد خاصی برآید، مانند انجام عمل هنری، تخلف از آن می‌تواند به انحلال قرارداد منجر شود؛ چرا که الزام قضایی در این موارد عملاً امکان‌پذیر نیست.^۴ در این خصوص، دکترین حقوقی فرانسه نیز بر آن است که در مواردی که الزام متعهد به اجرای تعهد فاقد کارایی عملی است، باید به‌جای الزام، ابزارهایی نظیر فسخ یا پرداخت خسارت در نظر گرفته شود.^۵

در خصوص پیش‌بینی شرط انفساخ، اگرچه ماده ۳۷۹ ق.م.صراحتی ندارد، اما با توجه به تفاسیر فقهی و اصول قراردادها در حقوق ایران، شرط انفساخ نیز می‌تواند به‌عنوان نتیجه طبیعی تخلف از شرط فعل نافذ تلقی گردد، مشروط به اینکه طرفین آن را صراحتاً در قرارداد شرط کرده باشند.^۶ بنابراین؛ ماده ۳۷۹ قانون مدنی مصداق بارزی از برخورد قانونگذار با تعهدات قائم به شخص است که با لحاظ خصوصیات غیرقابل اجرای آن‌ها، ضمانت اجرای خاص (فسخ) را در نظر گرفته است. این رویکرد در نظام حقوقی فرانسه نیز دیده می‌شود و بر ضرورت تناسب ضمانت اجرا با ماهیت تعهد تأکید دارد.

۱-۳- محدوده قابلیت اعمال حبس در تعهدات قائم به شخص در نظام اجرای احکام مدنی

در نظام اجرای احکام مدنی، حبس محکوم‌علیه در صورت امتناع از پرداخت، مطابق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، تنها در تعهدات مالی قابل اعمال است. اما در تعهدات قائم به شخص مانند انجام عمل هنری یا معرفی فرد خاص، چون اجرای تعهد تنها توسط خود متعهد ممکن است و جایگزینی ثالث ممکن نیست، حبس یا توقیف اموال ضمانت اجرای مؤثری ندارد و اجرای حکم با محدودیت جدی مواجه می‌شود.^۷

در تعهدات مالی، چون موضوع تعهد قابل تقویم به وجه نقد است، دادگاه می‌تواند معادل محکوم‌به را از اموال محکوم‌علیه توقیف کند و در صورت عدم شناسایی اموال، حبس وی را اعمال نماید. اما در تعهدات قائم به شخص، موضوع تعهد اصولاً غیرقابل تقویم است و حتی در صورت اعمال حبس نیز، الزام محکوم‌علیه به اجرای تعهد، منطبق بر منطق حقوقی

^۲ Cour de Cassation, 1re civ., 20 juillet 1993, n° 91-16828, Bull. civ. I, n° 261؛ Fouchard, Gaillard, Goldman, International Commercial Arbitration, Kluwer Law International, 1999, 652-654.

^۳ ناصر، کاتوزیان، " عقود معین "، (تهران: شرکت سهامی انتشار ۱۴۰۳)، ۱۳۵.

^۴ Code Civil, Article 1121, version consolidée au 1 janvier 2024

^۵ Jacques, Ghestin, Traité de droit civil - Les effets du contrat, LGDJ, 2001, 352

^۶ سید حسن، امامی، " حقوق مدنی "، جلد دوم، (تهران: اسلامیه)، ۱۶۷.

^۷ ناصر، کاتوزیان، " حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها "، (تهران: شرکت سهامی، ۱۴۰۰)، ۱۸۵.

نخواهد بود؛ چراکه این نوع حبس‌ها، آزادی اراده فرد را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهند که با اصل آزادی قراردادهای و اصل کرامت انسانی در تعارض است.^۸ افزون بر این، قانون مدنی نیز به طور صریح در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ تنها در خصوص تعهدات مالی، امکان الزام قضایی را پیش‌بینی کرده و در صورت عدم امکان اجبار، صرفاً حق فسخ برای متعهدله در نظر گرفته شده است.

در حقوق فرانسه نیز امکان اجبار شخص به انجام تعهدات قائم به شخص، محدود شده است. ماده ۱۲۲۱ قانون مدنی فرانسه پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶ تصریح می‌دارد که تنها در صورتی می‌توان متعهد را ملزم به اجرای عین تعهد کرد که انجام آن امکان‌پذیر بوده و متضمن تعرض به آزادی شخصی او نباشد.^۹ در نتیجه، دادگاه‌های فرانسه در مواردی که موضوع تعهد نیازمند مباشرت شخص متعهد است، امکان اعمال اجرای اجباری را منتفی دانسته و صرفاً به فسخ قرارداد یا مطالبه خسارت بسنده می‌کنند.^{۱۰}

بنابراین، تعهدات قائم به شخص در نظام حقوقی ایران نیز مشمول قواعد حاکم بر تعهدات مالی نمی‌گردند و ضمانت اجرای حبس نسبت به آن‌ها ابتدائاً منتفی است، مگر در مواردی خاص که اجرای غیرمستقیم تعهد از طریق جایگزینی با تعهد مالی یا پرداخت خسارت ممکن باشد. این تحلیل نه تنها با اصول کلی حقوق تعهدات در حقوق ایران هم‌ساز است، بلکه با رویکرد سیستم حقوقی فرانسه نیز تطابق دارد.

۱-۴- استرداد طفل به‌منابه تعهد قائم به شخص و تحلیل استثنای قانونی حبس

تعهد به استرداد طفل در حضانت، تعهدی قائم به شخص است که فقط توسط محکوم‌علیه قابل اجراست. اما ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده، به دلیل اهمیت حقوق کودک، استثنائاً بازداشت فرد مستنکف تا اجرای حکم را مجاز دانسته است.^{۱۱} ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده، علاوه بر حمایت از اجرای حکم، از منظر سیاست جنایی و منافع عالیه طفل نیز اهمیت دارد و با اولویت دادن به اجرای سریع حضانت، تعادل میان حقوق والدین و منافع کودک را برقرار می‌سازد. در حقوق فرانسه نیز، طبق ماده ۳۷۳-۲-۶ قانون مدنی، در صورت عدم اجرای حکم حضانت، دادگاه می‌تواند با استفاده از نیروی انتظامی یا مجازات کیفری اجرای حکم را تضمین کند.^{۱۲} همچنین در موارد حاد، ماده ۶۴۵-۲ قانون جزای فرانسه، مجازات‌های جزایی برای خودداری از اجرای احکام مربوط به حضانت و استرداد طفل پیش‌بینی کرده است.^{۱۳} از نظر دکتین حقوقی فرانسه نیز، اصل بر عدم اجبار فیزیکی متعهد به ایفای تعهدات شخصی است، اما در مواردی که موضوع تعهد دارای اهمیت عمومی یا خانوادگی ویژه‌ای باشد، مانند استرداد طفل، می‌توان استثنا قائل شد.^{۱۴} بر این اساس، می‌توان ماده ۴۰ قانون حمایت خانواده ایران را به‌عنوان نهاد ویژه و نوآورانه‌ای دانست که با تلفیق اصول اجرایی سنتی و اقتضائات نوین حقوق کودک، در جهت تضمین اجرای تعهدات شخصی با آثار اجتماعی مهم، از حبس به‌عنوان ابزار حمایتی بهره برده است

۱-۵- تمکین به‌عنوان تعهد قائم به شخص در روابط زوجین و حدود ضمانت اجرای آن

نهاد تمکین در حقوق ایران، از تعهدات قائم به شخص در روابط زوجیت است؛ زیرا اجرای آن تنها با اراده و مباشرت شخصی زوج یا زوجه ممکن است و قابل انتقال یا نیابت نیست. تمکین، چه عام و چه خاص، نیازمند حضور و رفتار

^۸ سید حسین صفایی، "اجرای احکام مدنی"، (تهران: سمت، ۱۳۹۵)، ۲۳۷.

^۹ Code Civil, Article 1221, version consolidée au 1 janvier 2024

^{۱۰} Philippe, Malaurie et al., (Les obligations, LGDJ, 2022), 314

^{۱۱} سید حسین صفایی و اسدالله امامی، "حقوق خانواده"، (تهران: سمت، ۱۴۰۰)، ۴۱۲.

^{۱۲} Code Civil, Article 373-2-6, version consolidée au 1 janvier 2024

^{۱۳} Code Pénal, Article R 645-2, version consolidée au 1 janvier 2024.

^{۱۴} ibid, p. 534.

شخص متعهد است و انجام آن توسط غیر ممکن نیست.^{۱۵} در صورتی که هر یک از زوجین از ایفای این تعهد خودداری نماید، طرف مقابل می‌تواند با طرح دعوی الزام به تمکین، صدور حکم قضایی را تقاضا کند. با این حال، الزام قضایی به تمکین، به واسطه ماهیت قائم به شخص بودن این تعهد، در عمل همواره مؤثر نیست. زیرا اجرای حکم الزام به تمکین بدون رضایت واقعی متعهد، نه تنها امکان تحقق واقعی تعهد را فراهم نمی‌کند، بلکه ممکن است منجر به تضییع حقوق فردی و کرامت انسانی گردد.^{۱۶}

تمکین، تعهدی قائم به شخص است که تنها با اراده طرفین ممکن بوده و اجبار فیزیکی برای اجرای آن امکان‌پذیر نیست. در صورت امتناع زوجه، ضمانت اجرای غیرمستقیم مانند سلب نفقه، محرومیت از اجرت‌المثل یا صدور اجازه ازدواج مجدد برای شوهر اعمال می‌شود. اگر شوهر نیز وظایف زناشویی‌اش را انجام ندهد و اجبار وی ممکن نباشد، زوجه می‌تواند به استناد عسر و حرج تقاضای طلاق کند. در حقوق فرانسه نیز این تعهدات شخصی تلقی می‌شوند و تنها ابزارهای حقوقی غیرمستقیم برای الزام به اجرا پیش‌بینی شده‌اند.^{۱۷}

در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، تعهدات قائم به شخص در روابط خانوادگی مانند تمکین، تنها با اراده شخصی متعهد قابل اجرا بوده و ضمانت اجرای آن‌ها محدود، غیرمستقیم و عمدتاً مالی است. اجرای اجباری و فیزیکی این تعهدات ممنوع تلقی شده و ابزارهایی چون سلب نفقه، صدور اجازه ازدواج مجدد یا اثبات عسر و حرج به‌عنوان جایگزین پیش‌بینی شده‌اند. در خصوص امکان اعمال تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی بر حکم تمکین، باید گفت که گرچه صدور حکم و اجرای تمکین ممکن است، اما تعیین وجه‌الزام برای وادار ساختن زن به تمکین، با ماهیت شخصی و غیرقابل اجبار این تعهد سازگار نیست. در حقوق فرانسه نیز چنین اقدامی مردود است، چرا که با اصول آزادی فردی و کرامت انسانی تعارض دارد. گرچه دکتر ناصر کاتوزیان امکان استفاده از «جریمه اجبار» را مطرح کرده‌اند، اما این دیدگاه با ملاحظات اخلاقی و حقوقی قابل نقد است.^{۱۸} در کفالت‌های غیرمالی مانند احضار زوجه برای رفتن به خانه شوهر (موضوع ماده ۷۴۰ ق.م)، امکان حبس کفیل به‌طور کلی وجود ندارد و تنها راه‌حل، تمسک به ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق است. با این حال، برخی معتقدند در دعاوی زوجیت، در صورت عدم احضار مکفول، حبس کفیل به‌حکم حاکم ممکن است.^{۱۹}

۲- امکان صدور حکم به جریمه روزانه در تعهدات غیر قابل اجرا توسط غیر

جریمه مدنی با تصویب ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ وارد سیستم حقوقی ایران گردید که در واقع خود اقتباسی است از نهاد حقوقی «استرنت» در نظام حقوقی فرانسه می‌باشد.^{۲۰} با آنکه جریمه‌ی مالی (که وجه آن به متعهد له میرسد) نه در تعزیرات جای دارد و نه مانند وجه التزام در قصد و اقدام طرفین بر معامله گنجانده شده است، اما از نظر مبنای شرعی می‌توان آن را از باب حکم حکومتی برای جلوگیری از اختلال نظام اقتصادی پذیرفت.^{۲۱} جبار مالی یا «جریمه روزانه» تنها در تعهدات قائم به شخص معنا دارد، جایی که انجام تعهد فقط توسط خود متعهد ممکن است.

^{۱۵} کاتوزیان، پیشین، ۱۸۳.

^{۱۶} سید حسین، صفایی و اسدالله، امامی، پیشین، ۲۳۱.

^{۱۷} Malaurie, ibid, 327.

^{۱۸} عبدالله، شمس، "اجرای احکام مدنی"، (انتشارات دراک، ۱۳۹۷)، ۷۲۷.

^{۱۹} محمد، بروجردی عبده، "حقوق مدنی"، (تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰)، ۳۷۹.

^{۲۰} سید مصطفی، محقق داماد و همکاران، "نظریه عمومی جریمه مدنی (تعزیرات غیرکیفری) در فقه اسلامی و حقوق ایران"، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره

۱۱۴، (۱۴۰۰): ۱۹۳-۲۲۱

^{۲۱} محمدعلی، خورسندیان، "شرعی، الهام، قاعده نفی اختلال نظام در حقوق خصوصی"، (تهران، گسترش رایانه، ۱۳۹۶)، ۲۴۸.

در این موارد، دادگاه می‌تواند برای اعمال فشار غیرمستقیم، مبلغی را برای هر روز تأخیر تعیین کند؛ اقدامی که در حقوق فرانسه با عنوان «استرنیت» شناخته می‌شود و هدف آن، تشویق متعهد به اجرای تعهد و نه صرفاً جبران خسارت است. در حقوق ایران، اگرچه مواد ۷۲۹ و ۷۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ حذف شده‌اند، اما تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی همچنان مبنای استفاده از جریمه مالی در تعهدات شخصی باقی مانده است. با وجود تردید در بقای این تبصره پس از نسخ قانون پیشین، برخی آن را همچنان معتبر و ضروری برای حمایت از متعهدله در تعهدات غیرقابل نیابت می‌دانند.^{۲۳}

اما برخی از حقوقدانان اعتقاد دارند، ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی نسخ نشده و دادگاهها درباره احکام با موضوع عمل معین که انجام آن توسط فرد دیگر ممکن نباشد، می‌توانند تعیین جریمه نمایند.^{۲۳} هرچند رویه غالب قضایی اکنون این نظریه را اعمال نمی‌کند. لکن به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در قانون اجرای احکام مدنی که ملاک و معیار و نحوه اجرای احکام مدنی را ذکر نموده است به قانون سابق در خصوص اجرای این گونه تعهدات ارجاع نموده است تا زمانی که تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی نسخ صریح نگردیده است امکان اعمال ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد. هرچند در نظریه اکثریت نشست قضایی دادگستری استان تهران در مورخه ۱۳۸۱/۴/۷ بیان گردید با تمسک به ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی جدید می‌توان با تکیه بر قاعده فقهی تسبیب حق مطالبه خسارت ناشی از تأخیر انجام تعهد را برای محکوم له قائل شد^{۲۴} مگر اینکه در خود قرارداد پایه تعهد، ضمانت اجرای آن مشخص شده باشد. برابر ماده ۲۳۹ قانون مدنی، در تعهدات قائم به شخص که انجام آن تنها از سوی متعهد ممکن است، اگر اجبار او ممکن نباشد و دیگری نیز نتواند تعهد را انجام دهد، تنها پس از صدور حکم الزام و ناکامی در اجرای آن، متعهدله حق فسخ دارد. این حق، بدون طی فرآیند قضایی و اثبات تعذر اجرا، قابل استفاده نیست و همیشه هم راهکار مناسبی برای جبران زیان ناشی از عدم انجام تعهد محسوب نمی‌شود.

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه‌ای تصریح کرده که تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی با وجود نسخ ماده ۷۲۹ سابق، همچنان معتبر است و دادگاه می‌تواند برای تعهدات قائم به شخص، جریمه تأخیر تعیین کند. حتی در سازش‌نامه‌ها، اگر تعهد شخصی باشد، تعیین جریمه تأخیر ممکن است. بنابراین، ضمانت اجرای مالی در این گونه تعهدات، در نظام حقوقی ایران مبنای قانونی و فقهی دارد و نیاز به دعوی مستقل برای مطالبه جریمه نیست.^{۲۵}

۳- شرایط صدور وجه الزام در تعهدات قائم به شخص و تمایز آن از خسارت تأخیر

در تعهدات قائم به شخص، ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی و تبصره آن امکان تعیین وجه الزام روزانه را در صورت استنکاف محکوم علیه پیش‌بینی کرده‌اند. این وجه به عنوان ابزار فشار حقوقی، از تاریخ پایان مهلت اجرای حکم تا انجام تعهد، بدون نیاز به دعوی مستقل، به نفع محکوم له قابل مطالبه است. هدف، تشویق به اجرای تعهد شخصی است، نه مجازات یا جبران خسارت، و مانع مطالبه خسارات دیگر نیز نمی‌شود. در نظام حقوقی فرانسه، نهادی مشابه وجه الزام تحت عنوان *astreinte* شناخته می‌شود. عبارت است از وجهی که دادگاه در کنار صدور حکم اصلی، در صورت تأخیر در اجرای آن توسط محکوم علیه، تعیین می‌نماید تا وی را به اجرای تعهد ترغیب کند. مطابق ماده ال-131. *Code des procédures civiles d'exécution*، *astreinte* هم می‌تواند پیشاپیش در حکم دادگاه درج شود و هم به طور جداگانه پس از تأخیر در اجرا صادر گردد.^{۲۶}

^{۲۳} محمد هادی، فضلعلی، "مطالعه تطبیقی اجرای عین تعهد"، (تهران، ۱۳۹۰)

^{۲۳} <https://mhfazali.blogfa.co>. 2022/10/05

^{۲۴} محمد رضا، سید حسینی، "قانون اجرای احکام مدنی در رویه قضایی"، (تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۵)،

^{۲۵} "مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل مدنی" ضمیمه مجله حقوقی وزارت دادگستری از انتشارات دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت دادگستری با همکاری آقایان محمود سلجوقی یداله امینی

^{۲۶} Code des procédures civiles d'exécution, Article L.131-1 (France).

ویژگی بارز *astreinte*، همانند وجه‌الزام در حقوق ایران، این است که دارای ماهیتی ترغیبی و غیرجبرانی است. در رأی برجسته‌ای از دیوان عالی فرانسه آمده است که: «هدف از *astreinte*، جبران ضرر ناشی از تأخیر نیست، بلکه ابزاری است برای اعمال فشار به محکوم‌علیه جهت اجرای تعهد».^{۲۷}

در حقوق ایران و فرانسه، وجه‌الزام و *astreinte* ابزارهای اقتصادی مکملی‌اند برای الزام به اجرای تعهدات قائم به شخص. این نهادها نه جریمه‌اند و نه خسارت، بلکه سازوکاری برای اعمال فشار غیرمستقیم بر متعهد مستنکف‌اند. در فرانسه نیز مطالبه هم‌زمان *astreinte* و خسارت تأخیر ممکن است، مشروط به استقلال هدف. این شیوه، توازن میان حقوق محکوم‌له و شأن متعهد را حفظ می‌کند.

۳-۱- اثر فوت متعهد در تعهدات قائم به شخص و وضعیت وجه‌الزام

در تعهدات قائم به شخص، فوت متعهد موجب انحلال قرارداد و زوال امکان اجرا می‌شود. وجه‌الزام تنها تا زمان حیات متعهد قابل مطالبه است و با فوت، نه بازداشت امکان‌پذیر است و نه مسئولیتی متوجه ورثه خواهد بود. وجه‌الزام پرداخت‌شده نیز باید به ترکه بازگردد.

در حقوق فرانسه، تعهدات شخصی در صورت فوت متعهد از طریق قواعد مربوط به انقضای تعهد (*Extinction de l'obligation par impossibilité d'exécution*) به صراحت مقرر می‌دارد که در صورت غیرممکن شدن اجرای تعهد بدون تقصیر متعهد، مسئولیت وی ساقط می‌شود و تعهد خاتمه می‌یابد.^{۲۸} در دکتترین حقوقی فرانسه نیز، فوت متعهد در تعهدات قائم به شخص، به‌طور معمول موجب زوال تعهد تلقی می‌شود؛ زیرا اجرای آن مستلزم شخصیت و توانایی خاص متعهد بوده و با فوت وی، علت اصلی تعهد منتفی شده است.^{۲۹} همچنین، در احکام قضایی فرانسه، حکم به پرداخت خسارت تهدیدی (*astreinte*) تنها تا زمان امکان اجرای تعهد برقرار بوده و با تحقق عامل قاهره مانند فوت، اثر اجرایی آن پایان می‌یابد. دادگاه‌های فرانسه در رویه‌های خود بر این نکته تأکید دارند که هدف از *astreinte*، الزام متعهد به ایفای تعهد است و در صورت زوال موضوع تعهد، دلیلی برای استمرار آن وجود ندارد.^{۳۰} در حقوق ایران و فرانسه، با فوت متعهد در تعهدات قائم به شخص، قرارداد منفسخ و اجرای حکم متوقف می‌شود. وجوه دریافتی باید به ترکه بازگردد و ورثه فقط در قبال دیون مالی عادی مسئول‌اند، نه تعهدات شخصی.

۳-۲- اثر حادثه خارجی در تعهدات قائم به شخص و انفساخ قهری قرارداد

از مهم‌ترین نمونه‌های تعهدات قائم به شخص، تعهداتی هستند که انجام آن‌ها نیازمند ویژگی‌های شخصی متعهد است؛ مانند تعهد نقاشی توسط یک هنرمند خاص. در چنین مواردی، اگر متعهد به‌دلایلی مانند بیماری یا اختلال روانی قادر به اجرای تعهد نباشد، الزام وی ممکن نیست. در حقوق ایران نیز، هرچند تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی امکان بازداشت محکوم‌علیه را پیش‌بینی کرده، اما این ضمانت‌اجرا در تعهدات شخصی، در صورت فقدان امکان واقعی اجرا، قابل اعمال نیست.^{۳۱} در این شرایط، اجرای تبصره مذکور نه‌تنها غیرقابل اعمال است، بلکه ادامه قرارداد نیز، به‌سبب تحقق قوه قاهره (فورس مازور) و فقدان امکان اجرای شخصی، با اصول انصاف و تعهدات قراردادی در تعارض خواهد بود.

^{۲۷} Cass. Civ. 2e, 6 juin 1990, Bull. civ. II, n°120; Dalloz 1991, somm.. 428.

^{۲۸} Code Civil, Articles 1217 & 1231 (version consolidée au 1 janvier 2024).

^{۲۹} Jacques, Ghestin, Les obligations, (LGDJ, 2021), 347.

^{۳۰} Cass. Civ. 3e, 9 mai 1990, n° 88-15.428; Dalloz 1991, note Simler.

در چنین مواردی، باید به اصل انفساخ قهری قرارداد تمسک جست. مطابق اصول عمومی قراردادها، هرگاه اجرای تعهد به‌طور دائم غیرممکن گردد و این عدم امکان، متناسب به متعهد نباشد، عقد به‌طور قهری منفسخ می‌گردد.^{۳۳} تعهدات قائم به شخص، به‌سبب وابستگی ماهوی به توانایی‌های فردی متعهد، بیش از سایر تعهدات در معرض انفساخ بر اثر حوادث خارجی قرار دارند. از منظر فقهی نیز، در صورت عجز دائم متعهد از ایفای تعهد، عقد منفسخ می‌گردد. علامه حلی در قواعد الأحکام اشاره می‌کند که در صورت زوال قدرت متعهد، عقد، به تبع زوال محل آن، ساقط می‌شود.^{۳۴}

در حقوق فرانسه، مطابق ماده ۱۱۹۵ قانون مدنی (اصلاحی ۲۰۱۶)، چنانچه حوادث پیش‌بینی‌نشده‌ای تعادل قراردادی را بر هم زند و اجرای تعهد را برای یکی از طرفین فوق‌العاده دشوار سازد، امکان انحلال یا تجدیدنظر در قرارداد با تصمیم دادگاه وجود دارد.^{۳۵} اما در خصوص تعهدات قائم به شخص، قواعد خاص‌تری جاری است.

بر اساس ماده ۱۲۱۷ و ۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه، در صورت عدم امکان اجرای عین تعهد ناشی از یک عامل خارجی غیر قابل انتساب به متعهد، نه‌تنها مسئولیت قراردادی وی منتفی است، بلکه قرارداد نیز قابل فسخ خواهد بود.^{۳۵} در رویه قضایی فرانسه، پرونده‌های متعددی وجود دارد که دادگاه‌ها انفساخ قرارداد را در نتیجه از کارافتادگی دائمی متعهد نسبت به ایفای تعهدات قائم به شخص، به رسمیت شناخته‌اند.^{۳۶} لذا در تعهدات قائم به شخص، هرگاه حادثه‌ای خارجی – مانند بیماری جسمی یا اختلال روانی – اجرای تعهد را غیرممکن کند، الزام قضایی متعهد، نه‌تنها فاقد کارایی حقوقی است، بلکه مغایر با اصول انصاف و کرامت انسانی تلقی می‌شود. در چنین شرایطی، انفساخ عقد، به عنوان راهکار حقوقی هم‌راستا با دکترین حقوق تطبیقی، بر اصل بقای قرارداد مقدم می‌گردد. این نتیجه نه‌تنها در حقوق ایران، بلکه در حقوق فرانسه نیز تأیید شده و بخشی از مبانی تعهدات شخصی تلقی می‌گردد.

۴- ضمانت اجرای تعهدات قائم به شخص در حقوق فرانسه با تأکید بر نهاد «astreinte»

در حقوق فرانسه، در صورت نقض تعهدات قائم به شخص، اصل بر الزام متعهد به اجرای عین تعهد است و دادگاه‌ها ابتدا وی را به انجام دقیق آن ملزم می‌کنند. طبق ماده ۱۲۴۳ قانون مدنی فرانسه، متعهدله نمی‌تواند مجبور به پذیرش چیزی غیر از مورد تعهد شود.^{۳۷} البته این در صورتی است که اجرا از نظر مادی، اخلاقی و قانونی ناممکن باشد؛ در این صورت نظریه عدم امکان اجرای اخلاقی به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد تا از آزادی شخصی طرفین قرارداد حمایت کنند و گاهی صریحاً حکم می‌نمایند که عدم اجرای تعهدات شخصی، تنها موجب دعوی خسارات می‌شود. از سوی دیگر در الزام به اجرای عین تعهد؛ «اصل اجرای با حسن نیت» در احکام دادگاه‌های فرانسه مورد توجه قرار می‌گیرد. معنی این اصل این است که با سوء نیت نمی‌توان کسی را ملزم به اجرای عین تعهد از طریق دادگاه‌ها نمود و باید دید، آیا امری را که خواهان از دادگاه درباره الزام به اجرای تعهد می‌خواهد، با حسن نیت درخواست می‌کند یا خیر.

در حقوق فرانسه، اصل بر اجرای عین تعهد است و مطالبه خسارت پیش از درخواست اجرای تعهد ممکن نیست. در تعهدات قائم به شخص، دادگاه‌ها برای فشار بر متعهد از جریمه مالی روزانه (astreinte) استفاده می‌کنند؛ نه برای جبران خسارت، بلکه برای وادار ساختن وی به اجرای حکم.

^{۳۳} کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، پیشین ۳۵۲.

^{۳۴} علامه حلی، "قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام"، ج ۲، (قم: دفتر انتشارات اسلامی)، ۲۸۷.

^{۳۵} Code Civil, Article 1195 (version consolidée au 1 janvier 2024).

^{۳۶} Code Civil, Articles 1217 et 1231 (version 2016).

^{۳۷} Cass. Civ. 1re, 10 juillet 1995, Dalloz 1996, somm. p. 352

^{۳۸} صدیقه، قره چاهی، پایان نامه کارشناسی ارشد، "ماهیت آثار و احکام مطالبه در حقوق تعهدات ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه"، ۱۰۱.

این جریمه، که به نفع محکوم‌له پرداخت می‌شود و جنبه کیفری یا مالیاتی ندارد، بر اساس عواملی چون میزان تقصیر، وضعیت اقتصادی و نرخ قانونی بهره تعیین می‌شود. طبق ماده ال 1-31. قانون اجرای احکام مدنی، هم قاضی صادرکننده رأی و هم قاضی اجرا می‌توانند آن را مشخص یا تعدیل کنند. این سازوکار ترکیبی از الزام قضایی و فشار مالی، رویکردی مؤثر در تضمین اجرای تعهدات شخصی در نظام حقوقی فرانسه است، مگر اینکه اجرای تعهد از نظر مادی، اخلاقی یا قانونی ممکن نباشد^{۳۸}. در حقوق فرانسه، جریمه جبران‌کننده (astreinte) معمولاً موقت است و فقط در صورت تصریح قاضی می‌تواند دائم باشد. هدف آن، وادار کردن متعهد به اجرای حکم است، نه جبران خسارت. در موارد خاص مانند دستور تخلیه، قانون‌گذار اجازه تعیین جریمه مستمر را داده، مشروط بر احتیاط و امکان اسقاط آن پس از اجرای حکم (ماده ال 1-142). برای حفظ عدالت، میزان جریمه نباید از خسارت واقعی فراتر رود (ماده ال 2-142). و اگر متعهد علت خارجی موجه برای عدم اجرا ارائه دهد، جریمه منتفی خواهد بود. در تعیین جریمه، قاضی باید به امکان واقعی اجرا، سوءنیت، و شدت ضرر توجه کند. برخی حقوقدانان فرانسوی به این ایراد گرفته‌اند که چرا جریمه، افزون بر خسارت، به متعهدله پرداخت می‌شود. در سال ۱۹۷۱ پیشنهادی مطرح شد که نصف جریمه به دولت و نصف به متعهدله اختصاص یابد، اما به تصویب نرسید.^{۳۹}

۴-۱- قلمرو جریمه مالی در نظام حقوقی فرانسه و تأملی بر کارکرد آن در حقوق ایران

در نظام حقوقی فرانسه، جریمه مدنی (astreinte) یکی از گسترده‌ترین و مؤثرترین ابزارهای فشار برای اجرای احکام قضایی است. این نهاد در تمامی حوزه‌ها—اعم از مدنی، تجاری، اداری و کیفری—قابل اعمال است و می‌تواند علیه هر شخصی، از جمله دولت، نهادهای عمومی و اشخاص حقوقی یا حقیقی، اعم از فرانسوی یا خارجی صادر شود. جریمه مدنی نه برای جبران خسارت، بلکه به منظور وادار کردن محکوم‌علیه به اجرای حکم تعیین می‌شود و در روبه قضایی فرانسه، در موارد متعددی چون تخلیه ملک، استرداد طفل، الزام کارگر به کار، جلوگیری از مزاحمت همسایگی، الزام اداره برق به وصل مجدد جریان، یا توقف انتشار یک اثر، کاربرد داشته است. با این حال، این جریمه در مواردی که اجرای تعهد ناممکن یا ناقض آزادی‌های شخصی و حقوق معنوی متعهد باشد، مجاز نیست. در حقوق ایران، چنین نهاد فراگیری هنوز به صورت قانون‌مند و منسجم در تمام تعهدات قائم به شخص پیش‌بینی نشده است. با این حال، ماده ۳۳ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ نمونه‌ای نادر و مهم از کاربرد جریمه مالی به عنوان ضمانت اجرای تعهد شخصی است. طبق این ماده، اگر شرکت بیمه در پرداخت خسارت با وجود کامل بودن مدارک، تأخیر کند، به پرداخت جریمه روزانه‌ای معادل نیم در هزار در حق زیان‌دیده محکوم می‌شود.

این ضمانت اجرا از نظر ماهوی، هم‌راستا با نهاد "جریمه اجبار" ماده ۷۲۹ قانون آیین دادرسی مدنی سابق است که امکان تعیین مبلغی روزانه برای اجبار محکوم‌علیه در انجام تعهدات قائم به شخص را پیش‌بینی کرده بود. هرچند ماده ۷۲۹ در قانون جدید حذف شده، اما این مصداق نشان می‌دهد که الگوی فشار مالی غیرمستقیم به متعهد برای انجام تعهد شخصی، در حال ورود تدریجی به نظام حقوقی ایران است؛ گرچه هنوز نیاز به تدوین قواعد عام، روشن و ساختارمند در این خصوص احساس می‌شود.^{۴۰}

۴-۲- جبران خسارت در تعهدات قائم به شخص از طریق اجرای جایگزین در نظام‌های حقوقی تطبیقی

^{۳۸}. سیامک ره پیک، "اصول حقوق فرانسه در جبران عدم اجرای قرار داد"، تهران انتشارات خرسندی، ۱۳۸۵، ۳۵.

^{۳۹}. code des procedures civiles d execution-۱-۱۴۲.

^{۴۰}. ماده ۳۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵: بیمه‌گر و صندوق‌حساب‌مورد مکلفند حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز پس از دریافت مدارک مورد نیاز، خسارت متعلقه را پرداخت نمایند.

ماده ۳۳: چنانچه بیمه‌گریا صندوق به رغم کامل بودن مدارک تکلیف‌مقرر در ماده ۳۱ این قانون را انجام ندهند و در پرداخت خسارت تأخیر نمایند به پرداخت جریمه ای معادل نیم در هزار به ازای هر روز تأخیر در حق زیان‌دیده یا قائم قام قانونی وی محکوم می‌شوند.

در نظام حقوق قراردادهای تجاری بین‌المللی، شناسایی و تفکیک میان تعهدات قائم به شخص و سایر انواع تعهدات، نقش مهمی در تعیین ضمانات اجراها و حدود الزام قضایی دارد. اصولاً، تعهداتی که تنها با انجام مستقیم و شخصی متعهد قابل تحقق‌اند، در زمره تعهدات قائم به شخص (Obligations intuitu personae) قرار می‌گیرند. این تعهدات به واسطه ویژگی‌های خاص متعهد - مانند تخصص، شخصیت فنی یا هنری - واجد وصف شخصی هستند و معمولاً اجرای جایگزین برای آن‌ها متصور نیست.^{۴۱}

با این حال، در اصول قراردادهای بین‌المللی از جمله اصول UNIDROIT، اصول حقوق قراردادهای اروپایی (DCFR)، معیاری برای خروج تعهد از شمول تعهدات قائم به شخص پیش‌بینی شده است. مطابق این منابع، چنانچه اجرای موضوع تعهد از سوی شخص ثالث یا از طریق روش‌های متعارف دیگر ممکن و معقول باشد، تعهد مزبور از دایره تعهدات قائم به شخص خارج شده و امکان الزام متعهدله به اجرای جایگزین وجود دارد.

در بند (ج) ماده ۲،۲،۷ اصول UNIDROIT، به صراحت یکی از موانع الزام به اجرای عین تعهد چنین بیان شده است: «در صورتی که متعهدله بتواند به‌طور متعارف اجرای تعهد را از منبع دیگری تحصیل کند».^{۴۲} بدین ترتیب، در مواردی که امکان تحقق هدف متعهدله بدون اتکاء به شخص متعهد وجود دارد، امکان صدور حکم به اجرای عین تعهد، زایل می‌شود. این حکم مبتنی بر منطق اقتصادی قراردادها و کارایی اجرای تعهدات است.

در بند ۲ ماده ۹:۱۰۲ اصول اروپایی نیز چنین آمده است: «در صورتی که متعهدله بتواند اجرای تعهد را به‌طور متعارف از طریق دیگری تحصیل کند، الزام به ایفای مستقیم تعهد امکان‌پذیر نیست». همچنین در بند ۲ ماده ۹:۱۰۱، اجرای عین تعهد در صورتی امکان‌پذیر است که طلبکار نتواند بدون صرف هزینه یا تلاش قابل توجه، راه‌حل جایگزینی را تأمین نماید.

این رویکرد در حقیقت پذیرای منطق نسبی بودن وصف شخصی در تعهدات است؛ بدین معنا که هر تعهدی الزاماً قائم به شخص نیست، بلکه معیار تشخیص آن، امکان اجرای جایگزین با هزینه و تلاش معقول است.

در نظام حقوقی فرانسه نیز، اصل بر امکان الزام متعهد به اجرای عین تعهد است؛ با این حال، در ماده ۱۲۲۱ قانون مدنی فرانسه (اصلاح شده ۲۰۱۶) آمده است: «دائن می‌تواند از دادگاه بخواهد که متعهد را به اجرای عین تعهد الزام نماید، مگر آنکه اجرای تعهد غیرممکن یا متضمن هزینه یا سختی غیرمعقول باشد». مطابق دکترین حقوقی فرانسه، تنها در مواردی که وصف شخصی تعهد محرز باشد - مانند انجام اثر هنری، ارائه خدمات علمی خاص یا اجرای فعالیت مبتنی بر رابطه خاص اطمینان - تعهد، قائم به شخص تلقی می‌شود و امکان جایگزینی آن وجود ندارد. در غیر این صورت، حتی در خدمات حرفه‌ای، معیار امکان اجرای جایگزین به‌عنوان ملاک خروج از شمول تعهدات شخصی پذیرفته شده است.^{۴۳} تعهدات قائم به شخص، دارای وصف خاص مباشرت متعهد هستند و اصولاً غیرقابل جایگزینی محسوب می‌شوند. با این حال، در نظام حقوقی بین‌المللی و نیز در حقوق فرانسه، چنانچه متعهدله بتواند هدف قراردادی خود را از طریق جایگزینی معقول و بدون هزینه یا دشواری قابل توجه تحقق بخشد، تعهد دیگر در زمره تعهدات قائم به شخص قرار نمی‌گیرد. این رویکرد منعکس‌کننده حرکت نظام‌های حقوقی به سوی کارایی، انعطاف‌پذیری و حمایت از توازن قراردادی است.

۴-۳- محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان ضمانت اجرای تعهدات قائم به شخص در اجرای احکام مدنی

در اغلب نظام‌های حقوقی پیشرفته، پس از قطعی شدن حکم، محرومیت‌های اجتماعی و اعتباری نقش مهمی در واداشتن محکوم‌علیه به اجرای داوطلبانه رأی ایفا می‌کنند. در کشورهایی مانند فرانسه، فرد محکوم به پرداخت‌های مالی، به

^{۴۱} کاتوزیان، "قواعد عمومی قراردادها"، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰)، ۱۸۲.

^{۴۲} UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts (2016), Article 7.2.2 (c).

^{۴۳} Ghestin, *ibid*, 342.

محض استتکاف از اجرای حکم، در لیست‌های اعتباری منفی یا «لیست سیاه» درج می‌شود. این فهرست عمومی است و بانک‌ها، مؤسسات مالی، شرکت‌های خدماتی، و حتی عموم مردم از طریق اینترنت به آن دسترسی دارند. پیامد این امر آن است که محکوم‌علیه از بسیاری از حقوق و خدمات اقتصادی و اجتماعی عملاً محروم می‌شود؛ مانند دریافت وام، گشایش حساب بانکی، ثبت شرکت، یا انعقاد قراردادهای تجاری معتبر. این فشار اجتماعی و اعتباری انگیزه قوی برای اجرای داوطلبانه احکام ایجاد می‌کند. در مقابل، در حقوق ایران، هیچ نظام یکپارچه‌ای برای اعمال چنین محرومیت‌هایی وجود ندارد. بسیاری از افراد با وجود محکومیت‌های قطعی مالی، همچنان بدون محدودیت در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت می‌کنند، تسهیلات بانکی دریافت می‌نمایند، چک صادر می‌کنند و حتی شرکت‌های تجاری ثبت می‌نمایند. ماده ۱۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، تنها در موارد خاصی که اعسار فرد ناشی از تقصیر خود او باشد، دادگاه را مجاز به اعمال برخی محرومیت‌ها مانند ممنوعیت خروج از کشور، ثبت شرکت، تصدی سمت مدیرعاملی و دریافت دسته چک و تسهیلات بانکی کرده است. اما این محرومیت‌ها نه به دلیل استتکاف از اجرای حکم، بلکه به دلیل سوءنیت در ایجاد وضعیت اعسار اعمال می‌شوند. ماده ۱۶ همین قانون نیز صرفاً در صورت اثبات پنهان‌کاری مالی یا ارائه اعسار خلاف واقع، امکان صدور حبس تعزیری درجه هفت را پیش‌بینی کرده است. با این وجود، هیچ‌یک از این مواد ضمانت اجرای مستقیم برای کسانی که صرفاً از اجرای حکم مدنی خودداری می‌کنند، پیش‌بینی نکرده‌اند.

در مجموع، فقدان سازوکارهای بازدارنده اجتماعی و اقتصادی در ایران سبب شده است که اجرای داوطلبانه احکام مدنی به میزان زیادی به اراده شخصی محکوم‌علیه وابسته باشد، نه به فشار سیستماتیک. این در حالی است که در نظام‌هایی مانند فرانسه، ترس از کاهش اعتبار اجتماعی و اقتصادی، خود به تنهایی انگیزه‌ای قوی برای اطاعت از حکم است. بنابراین، به نظر می‌رسد که نظام حقوقی ایران برای کارآمدتر شدن اجرای احکام مدنی، نیازمند طراحی یک نظام جامع اعتبارسنجی و محدودیت‌های اجتماعی مرتبط با اجرای احکام است.^{۴۱} در کشورهای پیشرفته مانند فرانسه، برای فشار بر محکوم‌علیه در اجرای احکام، از لیست سیاه و محرومیت از خدمات عمومی استفاده می‌شود. همچنین، در صورت امتناع از اجرای حکم، رژیم سلب مالکیت به‌عنوان ابزاری مؤثر برای وادار کردن فرد به اجرای داوطلبانه رأی به کار می‌رود. علاوه بر این، محرومیت از حقوقی مانند حق فرجام‌خواهی نیز ابزار فشار دیگری است. بر اساس ماده ۱-۱۰۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، فرجام‌خواه باید دلیل برای اجرای رأی ارائه دهد؛ در غیر این صورت، درخواست فرجام‌خواهی او از جریان رسیدگی خارج می‌شود. این ابزارها، نظامی بازدارنده و کارآمد برای اجرای مؤثر آرای قضایی فراهم می‌آورند.^{۴۲} در حقوق فرانسه، محرومیت محکوم‌علیه از حق فرجام‌خواهی تا اجرای حکم، به‌عنوان ابزار فشار برای اجرای داوطلبانه رأی به کار می‌رود. در ایران چنین قاعده‌ای وجود ندارد، اما تبصره ۲ ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶)، سازوکاری مشابه پیش‌بینی کرده است: اگر متعهد سند لازم‌الاجرا ظرف ۲۰ روز تعهد را اجرا نکند، نام وی در سامانه سجل محکومیت‌های مالی درج می‌شود و از دریافت تسهیلات، کارت بازرگانی، پروانه صادرات و... محروم می‌گردد. این محرومیت‌ها، نوعی فشار غیرمستقیم برای اجرای تعهد است.

نتیجه‌گیری

در تحلیل تطبیقی تعهدات قائم به شخص در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه، می‌توان دریافت که این دسته از تعهدات - که اساس آن‌ها بر انجام فعل یا تعهدی استوار است که تنها توسط شخص متعهد قابل انجام می‌باشد - با چالش‌های خاصی در مرحله اجرا مواجه هستند. در این راستا، مهم‌ترین سازوکارهای تضمین اجرای این تعهدات در هر دو نظام حقوقی، شامل بهره‌گیری از وجه‌الزام (جریمه اجبار)، محرومیت از حقوق اجتماعی، و در برخی موارد حبس محکوم‌علیه

⁴⁴ Par le professeur bachir niang fsjp- licence III-Affaires- Voies d execution-mbengue-
۱) 235. 2023/09/05

می‌باشد. نظام حقوقی فرانسه با بهره‌گیری از نهادی چون *astreinte* (جریمه تهدیدی)، به‌نحو مؤثری تلاش کرده است تا از ابزارهای اقتصادی به‌عنوان وسیله‌ای برای الزام محکوم‌علیه به اجرای تعهدات مباشرتی بهره‌برد. این الگو، ضمن حفظ کرامت انسانی و اجتناب از اجبار بدنی، موجب تحقق کارآمد عدالت قراردادی گردیده است. این راهکار می‌تواند الگوی مناسبی برای نظام حقوقی ایران در تقویت کارایی تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی باشد، مشروط بر اینکه محاکم به‌درستی و با تعیین مبلغ و مدت متناسب، از آن بهره‌برداری نمایند. با این حال، چنانچه محکوم‌علیه نه تعهد را اجرا کند و نه وجه الزام را پرداخت نماید و مالی نیز از وی شناسایی نگردد، سؤال درباره امکان اعمال حبس براساس ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مطرح می‌شود. لکن با توجه به این که ماده مزبور ناظر به تعهدات مالی است و در تعهدات قائم به شخص، مقصود اعطای مال نیست بلکه انجام تعهد خاص مورد نظر است، حبس مستقیم محکوم‌علیه جهت اجبار به انجام تعهد قائم به شخص در وهله نخست فاقد وجاهت حقوقی خواهد بود.

از جمله راهکارهای کارآمدتر در این راستا، می‌توان به محرومیت از حقوق اجتماعی اشاره کرد. محدودسازی دسترسی محکوم‌علیه ممتنع به خدمات بانکی، دسته چک، پروانه فعالیت تجاری، تسهیلات بانکی، یا برخی خدمات عمومی می‌تواند نقشی بازدارنده ایفا نماید. این ابزار نه تنها فشار مالی غیرمستقیم ایجاد می‌کند، بلکه وجاهت حقوقی بیشتری در مقایسه با حبس دارد و با اصول مدنی و حقوق بشر نیز سازگارتر است. افزون بر آن، باید به ظرفیت‌های تشویقی نیز توجه نمود. مقررات موجود، مانند ماده ۱۶۰ قانون اجرای احکام مدنی که تخفیف در هزینه‌های اجرایی را در صورت سازش یا اجرای داوطلبانه رأی پیش از ده روز از ابلاغ اجرائیه پیش‌بینی کرده، نمونه‌ای از این رویکرد ترغیبی است. توسعه این مدل، از طریق پیش‌بینی ابزارهایی چون پاداش خوش‌حسابی، معافیت بخشی از هزینه دادرسی، یا ارائه تسهیلات متناسب با حرفه محکوم‌علیه، می‌تواند نقش مؤثری در تحقق اجرای داوطلبانه آرای قضایی ایفا کند.

در نهایت، به نظر می‌رسد که بازنگری در قوانین اجرای احکام مدنی و وضع مقررات حمایتی و ترغیبی نوین، می‌تواند چارچوب جامع‌تری برای تضمین اجرای تعهدات قائم به شخص در حقوق ایران فراهم آورد.

در هر دو سیستم حقوقی ایران و فرانسه در صورت خودداری متعهد از اجرای حکم به ایفای تعهد قراردادی، امکان اجرای همان تعهد از سوی ثالث (یا خود متعهدله) وجود دارد و این راهکار منحصر به تعهدات از نوع فعل یا ترک فعل مادی است البته در صورتی که تعهد قائل به شخص بوده یا مباشرت در اجرای آن شرط شود، اجرای تعهد از سوی ثالث قابل تصور نخواهد بود^{۴۵}. طبق اصل شخصی بودن مسئولیت، تحمیل مسئولیت بر شخصی غیر از آن اقدام به عمل یا ترک عملی نموده ممکن نیست. این قاعده که از آن به قاعده «وزر» تعبیر می‌شود، نه تنها در کتاب و سنت، بلکه بداهت عقلی نیز دارد.^{۴۶} از ماده ۷۷۱۰ قانون مدنی فرانسه^{۴۷} قابل استنباط است، تعهدات محدود به کسانی است که آن را پیش‌بینی کرده‌اند یعنی طرفین یک قرارداد. اصل آزادی اراده اقتضاء دارد که جز طرفین کسی وارد این رابطه خصوصی نشود. در مواردی حق، قابلیت انتقال ندارد. به نحوی که در برخی از حقها شخص و حیات وی رکن به حساب آمده و بقای حق قائم به آنهاست. مانند حق جلوس در مسجد که غیر قابل انتقال است^{۴۸} در حقوق فرانسه، اگر تعهد به قید مباشرت شخص باشد، چنین عقدی با مرگ طرفی که شخصیت وی مورد نظر بوده خاتمه می‌پذیرد مانند ماده ۴۹۷. بنابراین اگر شرط مخالف نشده باشد، فرض براین است که شخص برای خویش و ورثه خود پیمان می‌بندد^{۴۹}. ماده (۲-۲-۷) اصول

۴۵. ابراهیم، شعاریان، "حکم الزام متعهد به ایفای عین تعهد و اجرای آن از سوی شخص ثالث در حقوق ایران و فرانسه"، (مطالعات حقوق تطبیقی دوره ۱۱، شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۹): ۵۹۱-۶۱۱

۴۶. سید میر عبدالفتاح، حسینی المراغی، "العناوین الفقهیه"، (مؤسسه النشر السالمی التابعه لجماعه المدرسین، بی‌تا)، ۷۰۱.

۴۸. مرتضی، انصاری، "مکاسب"، (مطبعه اطلاعات، ۱۳۷۵)، ۲۹۰.

قراردادهای تجاری بین المللی^{۵۰} مقرر می دارد؛ «در صورتی که طرف متعهد به تعهدی غیر از پرداخت پول، در اجرای تعهدش کوتاهی کند، طرف دیگر می تواند اجرای تعهد را مطالبه کند؛ مگر اینکه...» (د. اجرای تعهد از مشخصه ای منحصرأ شخصی برخوردار باشد) یا به عبارت دیگر قائم به شخص باشد.

منابع

منابع فارسی

- امامی، سید حسن. حقوق مدنی. جلد دوم، تهران: اسلامیه، چاپ بیست و دوم.
- باختر، سید احمد و رئیس، مسعود. بایسته‌های اجرای احکام مدنی، جلسه اول. تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۵.
- بروجردی عبده، محمد. حقوق مدنی. چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰.
- پزشکی، علی. نگرشی بر نحوه اجرای محکومیت‌های مالی. بی‌جا: نشر ترفند، ۱۳۸۷.
- تفسیر قانون مدنی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش، مدخل «تعهد قائم به شخص».
- خالقیان، جواد. تأمین خسارت احتمالی. تهران: انتشارات مهاجر، ۱۳۸۵.
- خوردندان، محمدعلی و شرعی، الهام. «قاعده نفی اختلال نظام در حقوق خصوصی»، گسترش رایانه، تهران، ۱۳۹۶.
- دبیرخانه دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت دادگستری. مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل مدنی، ضمیمه مجله حقوقی وزارت دادگستری.
- ره پیک، سیامک. اصول حقوق فرانسه در جریان عدم اجرای قرارداد. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۵.
- سیمایی صراف، حسین. «شیوه‌های الزام به اجرای عینی قرارداد در فقه و حقوق ایران»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۷.
- شعاریان، ابراهیم، حکم الزام متعهد به ایفای عین تعهد و اجرای آن از سوی شخص ثالث در حقوق ایران و فرانسه، مطالعات حقوق تطبیقی دوره ۱۱، شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۹
- شمس، عبدالله. اجرای احکام مدنی (قواعد عمومی)، جلد اول، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۷.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله. حقوق خانواده. جلد دوم، تهران: سمت، ۱۴۰۱.
- صفایی، سید حسین. اجرای احکام مدنی. تهران: سمت، چاپ ششم، ۱۳۹۵.
- فضلعلی، محمدهادی. مطالعه تطبیقی اجرای عین تعهد. ۱۳۹۰.
- قاسم‌زاده، مرتضی. تفسیر قانون مدنی. تهران: سمت، ۱۳۸۸.
- قره‌چایی، صدیقه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ماهیت، آثار و احکام مطالبه در حقوق تعهدات ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه. دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۵.
- کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها. جلد دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها. جلد سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
- کاتوزیان، ناصر. عقود معین. جلد اول، چاپ هشتم، ۱۴۰۳.
- کمالی، سید بیگلر. «وصول مطالبات با نظام شناسایی اموال»، روزنامه دنیای اقتصاد، مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۳.
- مدنی‌کرمانی، عارفه. اجرای احکام مدنی. تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- محقق داماد، سید مصطفی و همکاران. «نظریه عمومی جرمه مدنی (تعزیرات غیر کیفری) در فقه اسلامی و حقوق ایران»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴، تابستان ۱۴۰۰.
- مقدادی، محمد مهدی. «راهکارهای مؤثر اجرای احکام مدنی در ایران و فرانسه»، حقوق تطبیقی، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۸۱.
- مقدادی، محمد مهدی. راهکارهای مؤثر اجرای احکام مدنی در ایران و فرانسه. مجله حقوق تطبیقی، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۸۱.
- مهاجری، علی. شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی. جلد دوم، تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- مهاجری، علی. دانش نامه اجرای احکام مدنی (قواعد عمومی)، جلد اول، تهران: انتشارات فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۹۷.

فقیهی نژاد، مهدی. پایان نامه کارشناسی ارشد، بررسی تطبیقی اجبار به انجام عین تعهد در حقوق ایران و فرانسه و کنوانسیون بیع بین الملل. دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

منابع عربی

- انصاری، مرتضی. مکاسب. تهران: مطبعه اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- الحر العاملی، محمد. وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت (ع)، بی تا.
- العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۳۱۴ ق.
- الکرکی، علی بن حسین. جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل البیت (ع)، ۸۱۴ ق.
- الصیمری، مفلح. نمایه المرام. بیروت: دارالهادی، ۱۴۳ ق.
- حسینی العاملی، سیدمحمدجواد. مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. جلد ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- حسینی المرآعی، سید میر عبدالفتاح. العناوین الفقهیه. جلد ۷، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، بی تا.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. قواعد الاحکام. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- فاضل ابی، زین الدین حسن. کشف الرموز. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۸۱۴ ق.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن. شرائع الاسلام. نجف: مطبعه آداب، ۱۳۸۹ ق.
- نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. جلد ۲۳، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منابع فرانسه

- **Cour de Cassation, 1re civ.** (20 juillet 1993). Arrêt n° 91-16828, Bulletin civil I, n° 261.
- **Fouchard, Philippe, Gaillard, Emmanuel & Goldman, Berthold.** International Commercial Arbitration. Kluwer Law International, 1999.
- **Ghestin, Jacques.** Traité de droit civil – Les effets du contrat. Paris: LGDJ, 2001.
- **Malaurie, Philippe, Fulchiron, Hugues, Champenois, Christine.** La famille. Paris: Dalloz, 2022.
- **Niang, Bachir.** Voies d'exécution, Licence III – Droit des affaires, Université Cheikh Anta Diop (UCAD), Faculté des sciences juridiques et politiques (FSJP), cours polycopié, s.d.